

## داستان آفرینش (شرح تطبیقی - تحلیلی مقدمه مخزن الاسرار نظامی)

\* مهدی نیک منش

دانشگاه رازی

### چکیده

با وجود شرح‌های بسیاری که در گذشته و سال‌های اخیر بر منظومه مخزن‌الاسرار نوشته شده است، ابیات زیادی از این مثنوی - و به ویژه مقدمه آن - همچنان در حاله‌ای از ابهام فرو رفته و ژرف و رازناک باقی مانده است. نگارنده در این مقاله، ضمن مقایسه و تشریح نظر شارحان، با تأکید بر توجه به ساختار اثر، استفاده از آثار هم‌عرض، و پیوند عمودی ابیات، دیدگاه خود را مبنی بر طرح «داستان آفرینش» یا ترتیب خلقت هستی در مقدمه این منظومه، بیان کرده است. کلیدواژه‌ها: آفرینش عالم، مخزن‌الاسرار، موضوع خلقت در قرآن، نظامی گنجه‌ای.

### The Story of Creation: A Comparative - Analytical Interpretation on the Preface of Nezami's Makhzan Al-Asrar

Mehdi Nikmanesh, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature  
Razi university

#### Abstract

*In spite of many interpretations written on Manzume-ye Makhzan Al-Asrar in the past and in the present, there are still many abyats (couplets) in its prelude which has remained ambiguous and mysterious. The auther of this study along with comparing and interpreting other critics' views, and regarding the vertical relationships among abyats, expresses his own view on the presentation of the Story of Creation or the chronological sequence of creation in the preface of the intended book.*

*Keywords: Creation of the world, Makhzan Al - Asrar, Nezami Ganje'i, Creation in Holy Qur'an.*

نظامی از برترین شاعران سبک آذربایجانی است که با برگزیدن راهی تازه در شعر فارسی، نه تنها از شاعران سبک خراسانی، بلکه از دیگر شاعران سبک دوره خود همچون: خاقانی، مجیر، فلکی، ممتاز گشته است. نظامی با آفریدن خمسه خود، پرچمدار و پیشرو شیوه‌ای است که تا چندین قرن، دل امثال امیر خسرو دهلوی، خواجه کرمانی، عبدالرحمن جامی را ربوده و آنان را در این مسیر تازه به دنبال خود کشانیده است.

اولین شعبده (نظامی ۱۳۷۶پ: ۳۵) حکیم گنج‌ه، گنجینه پر رمز و راز مخزن‌الاسرار است. بر آثار نظامی و به ویژه بر این منظومه، شرح‌های متعددی نوشته شده است. از متأخرترین شروح آن می‌توان از حواشی استاد حسن وحید دستگردی، شرح دکتر برات زنجانی، شرح دکتر مهدی ماحوزی، تعلیقات دکتر بهروز ثروتیان، و شرح گزیده‌هایی از استاد عبدالمحمد آیتی، دکتر بهروز ثروتیان، و دکتر رضا انزایی نژاد نام برد. نگارنده ضمن احترام و تجلیل از آثار قلمی همه نظامی‌پژوهان، در این مقاله می‌کوشد تا با نظر به شرح‌های یاد شده، دیدگاه خود را درباره ابیات آغازین مثنوی‌گران سنگ مخزن‌الاسرار بیان کند:

بسم الله الرحمن الرحيم	هست کلید در گنج حکيم
فاتحه فکرت و ختم سخن	نام خدای است برو ختم کن
پیش وجود همه آیندگان	بیش بقای همه پابندگان
سابقه سالار جهان قدم	مرسله پیوند گلوی قلم
پرده گشای فلک پرده‌دار	پردگی پرده شناسان کار
مبدع هر چشمه که جودیش هست	مخترع هر چه وجودیش هست
لعل طراز کمر آفتاب	حله گر خاک و حلی بند آب
پرورش آموز درون پروران	روز برآرنده روزی خوران
مهره کش رشته باریک عقل	روشنی دیده تاریک عقل
داغ نه ناصیه داران پاک	تاج ده تخت نشینان خاک...

(همان: ۲-۳)

پیش از هر چیز، توجه خوانندگان محترم را به نکات زیر جلب می‌کند:

### الف) ساختار نظام‌مند مخزن الاسرار

از نکات قابل تأمل در شرح‌نویسی، توجه به نظم در ساختار هر اثر است. با وجود ایرادهای متعددی که بر ساختار آشفته این کتاب گرفته‌اند<sup>۱</sup>، به نظر می‌رسد نه تنها این منظومه از حیث ترتیب مطالب، شامل: حمد و ستایش خداوند، مناجات، نعت رسول اکرم، مدح ملک فخرالدین بهرام شاه بن داود، بیان مقام و مرتبه کتاب ...، و طرح بیست مقاله، از ساختاری نظام‌مند برخوردار است، بلکه شاعر در بیان هر یک از موضوعات ذکر شده نیز در نظم منطقی مطالب بسیار کوشیده است. توجه به نظام‌مندی این منظومه از ضروریات شرح‌نویسی به‌شمار می‌رود.

### ب) استفاده از دیگر ابیات مخزن الاسرار و منظومه‌های نظامی در شرح

از دیگر نکات مهم در شرح و تحلیل آثار، توجه به بخش‌های دیگر اثر و آثار دیگری است که سبک و به ویژه اندیشه نویسنده در مجال ظهور یافته است. به این جهت بررسی دیگر ابیات این منظومه، منظومه‌های دیگر شاعر و حتی آثار معاصران وی می‌تواند شرح‌نویسان را کمتر دچار لغزش و اشتباه کند.

### ج) توجه به محور عمودی شعر

گسسته‌پنداری ابیات و ترجیح توجه به محور افقی شعر، همواره از مهم‌ترین موانع دریافت پیوند و توالی معنی در شرح‌نویسی و از جمله در شرح این منظومه بوده است. در این مقاله برآنیم تا با توجه به این سه عامل مهم در شرح‌نویسی، آغازین ابیات این منظومه را با نگاهی به شرح‌های نگاشته شده مورد نقد و بررسی قرار دهیم:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم  
فاتحه فکرت و ختم سخن نام خدای است برو ختم کن

- بر خواندن مصراع اول بر وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلان» تأکید کرده‌اند، یعنی بخوانیم:

بِسْمِ إِلهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (ثروتیان ۱۳۷۹: ۴۵؛ انزابی نژاد ۱۳۷۵: ۶۰).

- واژه «حکیم» و ترکیب «گنج حکیم» چند گونه توجیه شده است:

۱ - نگارنده می‌کوشد تا در مقاله دیگری با عنوان «ساختار بحث‌انگیز منظومه مخزن الاسرار»، به این ایرادها پاسخ دهد.

الف) حکیم، عنوان و لقبی برای نظامی است و منظور از گنج حکیم، طبع گهربار نظامی (نظامی ۱۳۷۶: پ: ۲؛ آیتی ۱۳۶۷: ۹) یا همان مخزن الاسرار است (ثروتیان ۱۳۷۹: ۴۵؛ انزابی نژاد ۱۳۷۵: ۶۰).

ب) شاید سوره فاتحه مورد نظر باشد، به مفاد حدیث: أَلْفَاتِحَهُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ (نظامی ۱۳۷۶: پ: ۲؛ ثروتیان ۱۳۷۹: ۴۵).

ج) حکیم، از اسماء الهی است و چون بنا به آیه ۲۱ سوره حجر «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» همه گنجها نزد خداست، شاید مراد شاعر آن است که گفتن بسم الله، کلید گشایش آن گنجها است (آیتی ۱۳۶۷: ۹).

د) حکیم: قرآن کریم، و گنج حکیم، اضافه تشبیهی است (زنجانی ۱۳۷۰: ۱۵۵).

ه) حکیم، خداوند است و منظور از گنج، قرآن خواهد بود. (انزابی نژاد ۱۳۷۵: ۶۰).  
به نظر نگارنده، می‌توان آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را - بدون هیچ خلل و آسیبی به وزن عروضی - درست خواند؛ در این صورت هر دو رکن «مفتعلن» با استفاده از اختیار شاعرانه تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند (ناتل خانلری ۱۳۶۷: ۲۶۸؛ وحیدیان کامیار ۱۳۶۷: ۱۸)، به «مفعولن» بدل می‌شود:

مفعولن مفعولن فاعلان      مفتعلن مفتعلن فاعلان

نظامی، در همین منظومه از این اختیار عروضی بهره برده است:

این سریت باد به نیک اختری      بهتر باد آن سریت زین سری

(نظامی ۱۳۷۶: پ: ۳۸)

مفتعلن مفتعلن فاعلن      مفعولن مفتعلن فاعلن

یا:

آید فرفش به سلام قدم      حلقه صفت پای و سر آرد به هم

(همان: ۴۱)

مفعولن مفتعلن فاعلن      مفتعلن مفتعلن فاعلن

در این صورت با درست خواندن آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» نه تلفظ درست آیه کریمه را فدای وزن عروضی کرده‌ایم، و نه وزن را فدای آیه.

واژه حکیم در این بیت، اسم خاص نیست تا به خدا، قرآن، یا نظامی تعبیر و تأویل شود. حکیم در این بیت، اسم عام است و در معنی خردمند، و منظور از گنج حکیم نیز حکمت و خرد اوست.

معنی بیت: آغاز هر سخن خردمندی، بسم الله الرحمن الرحيم است. به این ترتیب نظامی هم مخزن الاسرار خود را بابتی از ابواب حکمت خوانده و هم در عین حال به حدیث شریف «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُبْتَدَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ الْبَتْرُ» توجه داشته است. از سوی دیگر، مثنوی اقبال نامه را نیز با این بیت شروع کرده است:

خرد هر کجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آن را کلید

(نظامی ۱۳۷۸: ۲)

این بیت با معنایی درست همسان با مطلع مخزن الاسرار، شاهی برای تأیید سخن ماست. نظامی دیگر منظومه‌های خود همچون لیلی و مجنون را نیز با بیتی این چنین آغاز کرده است:

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه چون کنم باز

(نظامی ۱۳۷۶ ب: ۲)

توجه به پیوند عمودی ابیات نظامی، گواه دیگری بر این مدعاست. نظامی در بیت دوم از این گنجینه راز، بر همان آغازگری با نام خداوند تأکید کرده است:

فاتحه فکرت و ختم سخن نام خدای است برو ختم کن<sup>۲</sup>

(نظامی ۱۳۷۶ پ: ۴۰)

پیش وجود همه آیندگان پیش بقای همه پابندگان

در معنی این بیت اختلاف نظری وجود ندارد و عموم شارحان، ازلیت و ابدیت خداوند را از آن استنباط کرده‌اند.

سابقه سالار جهان قدم مُرسله پیوند گلوی قلم

مصراع دوم این بیت چنین معنی شده است:

– مرسله به صیغه مفعولی گلوبند است (نظامی ۱۳۷۶ پ: ۲).

خداوند متعال (که) سابق بر ازلیت است، گلوی قلم را با گوهرهای کلمه و کلام زینت داده است (زنجانی ۱۳۷۰: ۱۵۵).

– قلم را او زینت داده و آراسته است. یعنی حرف نون را (در آیه ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) چون

گلوبندی بر گلوی قلم بسته و به آن سوگند یاد کرده و عزت بخشیده است (ثروتیان ۱۳۷۹: ۴۶).

۲ – شاعر در جای دیگری از این منظومه گفته است:

خاصه کلیدی که در گنج راست زیر زبان مرد سخن سنج راست

- کَلَمٌ همیشه به کار اوست که بر صحیفه هستی رقم زده و هیچ رقم نیست جز آن که به ابدیتش دم زده «ن، والقلم و ما یسطرون.» اوست که بر گلولی قلم، عقد معرفت آویخته و جهان هستی را به تمکین و طاعتش برانگیخته (ماحوزی ۱۳۷۴: ۶۰).

- شاعر در گردن بند قلم، به بندها و گره‌های قلم نی توجه دارد و در مصراع دوم به طور کلی به اهمیت قلم و کتابت پرداخته و آفرینش آن را به عنوان عروس زیبای هستی، یکی از قدرت‌های ارجمند خداوند معرفی می‌کند، در حدیث هم آمده که قلم نخستین آفریده خداوند است (أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ) ... (انزایی نژاد ۱۳۷۵: ۶۱).

به نظر من منظور از قلم، قلمِ صُنْعِ یا قلمِ آفرینش است که بر لوح محفوظ به حرکت در آمده و هستی و کاینات را رقم زده است. نظامی خود در این منظومه - در فضیلت سخن - گفته است:

جنبش اول که قلم بر گرفت      حرف نخستین ز سخن در گرفت  
... چون قلم آمد شدن آغاز کرد      چشم جهان را به سخن باز کرد

(نظامی ۱۳۷۶: پ: ۳۸)

اشاره به اولین آفریده خداوند را در تاریخ طبری ببینید:

«و به آن که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید چنان که پیغامبر علیه السلام فرمود: أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْقَلَمَ. و قلم را فرمود که بر لوح بگرد و بنویس هرچه تا قیامت خواهد بود، پس هرچه خواست آفریدن و خواست تا رستخیز، همه قلم بنوشت به امر حق عزّ و جلّ» (طبری ۱۳۷۴: ۲۴).

اشاره به قلم به عنوان نخستین آفریده خداوند در متون دیگری نیز دیده می‌شود؛ ابن اثیر در کتاب تاریخ کامل خود، در بیان آفرینش و نخستین پدیده، این حدیث را از پیامبر (ص) به نقل از عباده بن صامت ذکر کرده است: «نخستین چیزی که خدای بزرگ آفرید، قلم بود. پس خدا به آن گفت که بنویس. در آن هنگام قلم برای نگارش همه آن چه بوده است و هست و خواهد بود، به گردش در آمد» (ابن اثیر ۱۳۷۰: ۱۷).

شیخ محمود شبستری نیز آفرینش قلم را مقدّم بر دیگر آفریده‌ها دانسته است:

چو قاف قدرتش دم بر قلم زد      هزاران نقش بر لوح عدم زد

(لاهیجی ۱۳۷۱: ۵)

منظور از مرسله پیوستن به گلولی قلم یا آراستن قلم صنع، زینت بخشیدن به قلم آفرینش به وسیله نگاشتن با قلم صنع بر لوح هستی (آفرینش جهان) است. زینت قلم به نوشتن با آن

و به فعلیت رساندن استعداد بالقوه آن - نوشتن - است. تا خداوند با قلم صنع چیزی ننگاشته بود، قلم به کمال خود نرسیده بود و چون خداوند دست به آفرینش زد، به قلم صنع - با نوشتن که کمال آن بود - زینت بخشید<sup>۳</sup> (دادبه ۱۳۷۱: ۱۲۱).

پرده گشای فلک پرده‌دار پردگی پرده شناسان کار<sup>۴</sup>

در معنی مصراع اول بیت، خداوند را پرده‌گشای اسرار فلک پرده‌دار (نظامی ۱۳۷۶ ب: ۲؛ ثروتیان ۱۳۷۹: ۴۶؛ ماحوزی ۱۳۷۴: ۶۰) یا آگاه از همه رازها (آیتی ۱۳۷۶: ۱۰) دانسته و مصراع دوم را با تعبیری واحد، خدایی که از نظر پرده‌شناسان کار - پیغمبران و حکما و عرفا - مستور و در پرده است، معنی کرده‌اند.

به نظر می‌رسد، نظامی در مصراع نخست به آفرینش افلاک اشاره کرده است؛ یعنی خداوند با حرکت قلم صنع، ابتدا آسم را آفرید و از پس پرده علم به عین در آورد، در حالی که خود همچنان از نظر هر کس در پرده و مستور و محجوب است:

أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا (سورة انبياء آیه ۳۰).

نظامی موضوع تقدّم خلقت آسم را در مقاله هشتم از همین منظومه نیز ذکر کرده است:

فیض کرم کرد مَواسای خویش قطره‌ای افکند ز دریا‌ای خویش

حالی از آن قطره که آمد برون گشت روان این فلک آبگون

(نظامی ۱۳۷۶ پ: ۱۱۱)

یعنی به تعبیر استاد وحید دستگردی، قطره‌ای از دریای فیض الهی چکید و این آسمان از آن قطره به‌وجود آمد (همان؛ دادبه ۱۳۷۱: ۱۰۶).

تقدّم آفرینش آسمان بر دیگر مخلوقات در آثار دینی بسیاری به چشم می‌خورد؛ سفر تکوین المخلوقات در تورات چنین آغاز می‌شود:

«در ابتدا خدا آسم و زمین را آفرید/ و زمین تهی و خالی بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا بر روی آبها متحرک/ و خدا گفت که روشنایی شود و روشنایی شد/ و خدا روشنایی را دید که نیکوست پس خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد/ و خدا روشنایی را روز خواند و

۳ - دکتر دادبه نظیر این دریافت را در ضمن مقاله‌ای این چنین بیان می‌کند:

یگانه آفریدگاری که بر گوی قلم صنع یا سرنوشت گردن‌بند بسته است، یعنی هستی‌ها را آفریده و سرنوشت‌ها را رقم زده است.

۴ - دکتر زنجانی و دکتر ثروتیان، بیت ششم را بر این بیت مقدم کرده‌اند و دکتر انزابی نژاد این بیت را از گزیده خود حذف کرده است.

تاریکی را شب خواند و بودنِ شام و بودنِ صبح روزِ اوّل شد/ و خدا گفت رقیعی در میانهٔ آبها تا آبها را از هم جدا کند/ پس خدا رقیع را ساخت و آبهای زیر رقیع را از آبهای بالای رقیع جدا کرد و چنین شد/ و خدا آن رقیع را آسمان خواند و بودنِ شام و بودنِ صبح روزِ دویم شد/ و خدا گفت آبهایی که زیر آسمان اند در یک جا جمع شوند تا خشکی نمایان شود و چنین شد/ پس خدا خشکی را زمین خواند و.... (کتاب مقدس ۱۳۷۹: ۲).

آفرینش دنیای مادی در بندهش به دست هر مزد نیز چنین بیان شده است:

نخست آسمان را بیافرید به چهل روز...، دیگر آب را آفرید به پنجاه و پنج روز...، سدیگر زمین را به هفتاد روز آفرید...، چهارم گیاه را آفرید به بیست و پنج روز...، پنجم گوسفند را آفرید به هفتاد و پنج روز...، ششم مرد را آفرید که کیومرث است به هفتاد روز... (فرنبغ دادگی ۱۳۶۹: ۴۱).

مُبدع هر چشمه که جودیش هست      مخترع هر چه وجودیش هست  
لعتل طِرازِ کمرِ آفتاب      حُلّه گرِ خاک و حُلّی بندِ آب

- وحید دستگردی از دیدگاه حکما به معنی مبدع و مخترع نگریسته، و مخلوقات مسبوق به ماده و مدّت (مانند عنصریات) را کائنات، عدم مسبوق بودن به ماده و مدّت (مانند عقول مجرده) را مبتدعات، و بالاخره مسبوق به مادهٔ دون مدّت (مانند فلک الافلاک) را مخترعات خوانده است (نظامی ۱۳۷۶: ۳). عموم شارحان پس از مرحوم وحید دستگردی همین توضیح را تکرار کرده‌اند؛ تنها استاد آیتی است که علاوه بر این توضیح، نوشته است:

در این بیت، ابداع و اختراع هر دو به معنی خلق و ایجاد است (آیتی ۱۳۶۷: ۱۰).

- دکتر دادبه نیز می‌نویسد: متکلمان برای بیان آفرینش حوزه‌های مختلف هستی، اصطلاحاتی به ظاهر گوناگون به کار می‌برند، اصطلاحاتی که در باطن دارای یک مفهوم‌اند و یک معنا را بیان می‌کند. آنان میان ابداع، تکوین، احداث، و اختراع فرق نمی‌نهند و از این واژه‌ها و همانند یعنی خلق، صنع، فطرت و... به عنوان واژه‌های مترادف بهره می‌گیرند... نظامی با تأکید بر این معنا که «خدا خالق وجود است» و «آفریدگار همهٔ موجودات» به شیوهٔ متکلمان، ابداع و اختراع را مترادف به کار می‌برد و خدا را آفریدگار یعنی مبدع و مخترع هستی می‌خواند (دادبه ۱۳۷۱: ۹۰-۹۱).

- وحید دستگردی در توضیح بیت هفتم نوشته است:

کمرِ آفتاب، منطقهٔ خورشید است و مراد از لعل هم خورشید است که در منطقه جای دارد. حُلّهٔ خاک، ریاحین؛ و حُلّی بندِ آب: نقوش و دوائر امواج است (نظامی ۱۳۷۶: ۳؛ ماحوزی ۱۳۷۴: ۶۱).



- آیتی، بیت را حذف کرده است. زنجانی، بیت هشتم را بر این بیت مقدم کرده و در شرح خود می‌نویسد:

خداوند متعال، قدرت ایجاد لعل را در صلب آفتاب نهاده و خاک را با گل‌ها و سبزه‌ها پوشانیده و از آب بی‌رنگ، گل‌های رنگین و قوس و قزح رنگین آفریده است (زنجانی ۱۳۷۰: ۶۱).  
- ثروتیان، کمر آفتاب را پیرامون خورشید و خطی که (هم چون محور دایره) بر مرکز آفتاب می‌گذرد دانسته، بیت را چنین معنی می‌کند:

دایره خورشید را نور و روشنی بخشیده، خاک را به سبزه آراسته و سنگ ریزه‌ها بر آب بسته است «آفتاب چون سلطانی زرین کمر، خاک مانند انسانی نو جامه، و آب همانند زنی که زیورهای او در هنگام حرکت آوازه و بانگ دارد، مجسم شده است» (ثروتیان ۱۳۷۹: ۴۷).  
- و بالأخره انزابی نژاد با یادآوری توجه نظامی به اعتقاد تأثیر آفتاب بر سرخ شدن لعل، نوشته است:

خداوند خورشید را با کمر بند لعل گون آراسته، نیز خاک زمین را به سبزه و گل زیور بخشیده و بر روی آب پیرایه بسته «پیرایه‌های آب شاید عبارت باشد از گل‌ها و سبزه‌های کنار جویباران یا موج‌های حلقه حلقه روی برکه‌های آب در بهاران» (انزابی نژاد ۱۳۷۵: ۶۱).  
به نظر من نیز نظامی، دو واژه مُبدع و مُخترع را در معنی دقیق فلسفی به کار نبرده، بلکه این دو واژه را مترادف و در معنی «آفریننده» ذکر کرده و چه بسا در این کاربرد خاص - با طعن - گوشه چشمی به پرده‌شناسان کار (فلاسفه) نیز داشته است<sup>۵</sup> (خاقانی ۱۳۶۲: ۲۴۵).  
جالب توجه است که سنایی نیز «ابداع» را نه در معنای دقیق فلسفی آن، بلکه برای آفرینش عرش و فرش به کار می‌برد:

عرش تا فرش جزو مُبدعِ توست      عقل با روح پیک مسرعِ توست

(سنائی ۱۳۶۸: ۶۰)

اگر بپذیریم که بیت ششم و هفتم با هم جا به جا نشده، بر این باورم که شاعر بیت ششم را تمهیدی برای بیت هفتم قرار داده است. یعنی آن چه را به صورت کلی و نه چندان واضح در بیت ششم بیان کرده، در بیت بعد به وضوح بیان می‌کند. به سخن دیگر، منظور از «چشمه وجود» آفتاب و مراد از «هر چه وجود»، خلقت کاینات است که از خاک و آب به وجود آمده‌اند.

۵ - خاقانی نیز دو واژه «ابداع» و «اختراع» را در مطلع نامه‌ای، این چنین به صورت مترادف به کار برده است:  
خَبِرُ مَا اخْتَرَعَ الْعَقْلُ فِي مَجَالِهِ وَ اَبْدَعَ النَّاطِقُ فِي مَقَالِهِ، كَلِمَةُ الْعَجَزِ فِي قُصُورِ بَالِهِ عَنِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ كَمَالِهِ.

لعل طراز، به لعل طرازنده است، یعنی: خداوند کمر آفتاب را به لعل زینت بخشید. کمر آفتاب، اضافه تشبیهی است. زیرا چنان که در ترکیب «قد سرو» تخیل شاعرانه، سرو را تنها «قد» می‌بیند و از این ترکیب، افاده استعاری (تشبیه سرو به قامتی که از لوازم آن قد است) نمی‌کند، یا شاعری شمشاد را تنها «جعد» می‌بیند، نظامی نیز آفتاب را در تخیل خود - از نظر شکل - تنها حلقه یا کمری می‌بیند که خداوند در خلقت آن، این کمر را به لعل نور طراز بخشیده و زینت داده است<sup>۶</sup> (نظامی ۱۳۷۶: پ: ۳۲).

از سوی دیگر حله‌گری خاک، زنده کردن خاک مرده به سبزه و ریاحین، و حله‌بندی آب، خلقت آب و چه بسا حله‌بندی یا نگارگری با آب باشد. یعنی خداوند خاک را زنده کرد و با آب به هر چیزی حیات بخشید: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (سوره انبیاء آیه ۳۰). وجه دیگری که از حله‌بندی آب به نظر می‌رسد، خلقت زیبا و پری گونه آدمی از آبی پست است. سعدی در بوستان به زیبایی این موضوع را بیان کرده است:

دهد نطفه را صورتی چون پری که کرده است بر آب صورتگری؟

(سعدی ۱۳۶۸: ۳۴)

در سه بیت پایانی این بخش از مقدمه، اختلاف نظر چندانی از نظر توضیح واژه‌ها، ترکیب‌ها و شرح ابیات به چشم نمی‌خورد:

پرورش آموز درون پروران	روز برآرنده روزی خوران
مهره کش رشته باریک عقل	روشنی دیده تاریک عقل
داغ نه ناصیه داران پاک	تاج ده تخت نشینان خاک

با این همه می‌توان نظیر اندیشه محوری این ابیات یعنی خردبخشی به انسان و لزوم بندگی خداوند را در مقدمه منظومه‌های دیگر نظامی دنبال کرد؛ نظامی در خسرو و شیرین گفته است:

جواهر بخش فکرت های باریک	به روز آرنده شب‌های تاریک
... سواد دیده باریک بینان	انیس خاطر خلوت نشینان
خداوندی که چون نامش بخوانی	نیایی در جوابش لن ترانی
نیاید پادشاهی زوت بهتر	ورا کن بندگی هم اوت بهتر

(نظامی ۱۳۷۶ الف: ۳)

۶- به ترکیب «چشمه سیماب ریز» و «کمر لعل کش آفتاب» در ابیات زیر که نظامی در مدح بهرام شاه سروده است، توجه کنید:

با کفش این چشمه سیماب ریز	خوانده چو سیماب گریزا گریز
خنده زنان از کمرش لعل ناب	بر کمر لعل کش آفتاب

آنچه در شرح منظومه مخزن الاسرار - علاوه بر معنی واژه‌ها و ترکیب‌ها، شرح اشارات و به ویژه توجه صرف به محور افقی شعر - لازم است، نگرشی کلی به توالی ابیات و پیوند عمیق معنا در این مقدمه است. دو بیت آغازین این منظومه، آغازگری با نام خداست. این دو بیت با یکدیگر پیوند دارند:

بسم الله الرحمن الرحيم      هست کلید در گنج حکیم  
فاتحه فکرت و ختم سخن      نام خدای است برو ختم کن

از بیت سوم، ساختار خاص ابیات شکل می‌گیرد. یعنی هر مصراع، جمله اسمیه‌ای است که مسندالیه و فعل ربطی آن حذف شده است. به بیان دیگر، هر مصراع، گروهی مسندی است که به خداوند (مسندالیه) نسبت داده شده است. بنگرید:

(خداوند) پیش وجود همه آیندگان (است)      (خداوند) بیش بقای همه پایندگان (است)

لطیفه‌ای که در این ابیات وجود دارد و تاکنون مورد نظر و اشاره قرار نگرفته، این است که نظامی در ضمن این ساختار خاص که ویژگی‌هایی را به خداوند نسبت می‌دهد (و در این نسبت دادن، قدرت خداوند را در مقدمه اثر خود می‌ستاید) موضوع آفرینش را به ترتیب و با دقت تمام طرح می‌کند. تمهید این توالی معنایی، بیت سوم است. در آغاز خدا بود و در پایان نیز خدا خواهد بود؛ خداوندی که ازلی است و ابدی:

پیش وجود همه آیندگان      بیش بقای همه پایندگان

و این چنین موضوع خلقت آغاز می‌شود.

- در آغاز خدا بود و جز او هیچ نبود: سابقه سالار جهان قدم

- آنگاه خداوند آفرینش را آغاز کرد: مُرسله پیوند گلوی قلم

- اول چیزی که آفرید، آسمان بود:

پرده‌گشای فلک پرده‌دار      پردگی پرده‌شناسان کار

- پس از خلقت آسمان، خورشید را آفرید:

مبدع هر چشمه که جودیش هست      مخترع هر چه وجودیش هست

لعل طراز کمر آفتاب.....

- و سپس زمین را آفرید (حله‌گر خاک شد) و از آن پس با آب همه موجودات را پدید آورد:

حله‌گر خاک و حلی بند آب

- انسان را آفرید که از میان همه کائنات، به دلیل استعدادِ درون پروری یا تهذیب و کمال، اشرف بر دیگر مخلوقات بود:

پرورش آموز درون پروران

- و روز (و شب) را برای معاش (و آرامش) او قرار داد: وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (سوره نباء آیات ۱۰-۱۱).

به بیان دیگر هدف از خلقت آسم و زمین و شب و روز، انسان بود:

روز بر آورنده روزی خوران

- گوهر ارزنده‌ای که به انسان بخشید، گوهر عقل بود. از این رو از میان همه آنچه به آدمی عطا کرده، به این صفت اشاره خاص کرده است:

مُهره کش رشته باریک عقل      روشنی دیده تاریک عقل

- و آنگاه به مصداق آیه شریفه: وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (سوره الذاریات آیه ۵۶). هدف از این خلقت را داغ بندگی و عبادت بر پیشانی انس زدن، و با این ذل بندگی را به عزت تاجداری بر سایر کائنات رساندن، می‌داند:

داغ نه ناصیه داران پاک      تاج ده تخت نشینان خاک

- و بالأخره چون «داستان آفرینش» را از روز ازل تا انگیزه خلقت انس بیان کرد، این مقدمه را با نیستی کائنات و ابدیت خداوند به انجام می‌رساند:

خام کن پخته تدبیرها      عذر پذیرنده تقصیرها

شحنه غوغای هراسندگان      چشمه تدبیر شناسندگان

اول و آخر به وجود و صفات      هست کن و نیست کن کائنات

این موضوع ریشه قرآنی دارد، یعنی شیوه قرآن نیز یادآوری مسأله خلقت و ذکر ترتیب آفرینش در آیاتی مکرر است. اشاره به آفرینش زمین، آسمان، انسان، و روزی بخشیدن وی را در آیه زیر ببینید:

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ رَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُم فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (سوره غافر آیه ۶۴).

یادآوری خلقت انسان، زمین، آسمان، باران و گیاهان در آیه:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ / الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ

فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (سوره بقره آیه ۱۶۴).<sup>۷</sup>

اشاره به موضوع ترتیب و توالی آفرینش، در بسیاری از کتب منظوم و منثور به صورت یک سنت در آمده است، چنان که طبری در آغاز تاریخ خود می‌نویسد:

«و گروهی ایدون گفتند که خدای عزوجل نخست آسمان آفرید و ستارگان و آفتاب و ماه و آنگه زمین آفرید، [...] پس نخست خدای تعالی قلم آفرید، پس لوح، پس عرش، پس کرسی [...]، پس عالم همه یک سر از آب آفرید. آنگاه به هیبت یک نظر به آب نگرید، آن آب از هیبت خدای تعالی بر جوشید و دودی از میان آب برآمد از آن دود آسم بیافرید، [...] و چون هفت آسمان راست کرد و به هر آسمانی کار او تمام کرد و آفتاب و ماه و هر فریشته‌ای را جایی پیدا کرد» (طبری ۱۳۷۴: ۲۷-۲۸).

فردوسی بزرگ نیز شاهنامه خود را با ستایش خداوند، ستایش خرد، گفتار در آفرینش عالم، گفتار در آفرینش مردم، گفتار در آفرینش آفتاب، گفتار در آفرینش ماه، و... آغاز کرده، چنین می‌سراید:

ز آغاز باید که دانی درست	سر مایه گوه‌ران از نخست
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید	بدان تا توانایی آمد پدید
و زو مایه گوه‌ر آمد چهار	برآورده بی‌رنج و بی‌روزگار
یکی آتشی برشده تابناک	میان باد و آب از برتیره خاک
نخستین که آتش ز جنبش دمید	ز گرمیش پس خشکی آمد پدید
وز آن پس ز آرام سردی نمود	ز سردی همان باز تری فزود
چو این چار گوهر به جای آمدند	ز بهر سپنجی سرای آمدند
... چو زین بگذری مردم آمد پدید	شد این بندها را سراسر کلید
سرش راست بر شد چو سرو بلند	به گفتار خوب و خرد کار بند
پذیرنده هوش و رای و خرد	مر او را دد و دام فرمان برد
... زیاقوت سرخ است چرخ کبود	نه از باد و آب و نه از گرد و دود
... که هر بامدادی چو زرین سپر	زمشرق برآرد فروزنده سر
... چراغیست مرتیره شب را بسیج	به بد تا توانی تو هرگز میبج

۷ - یادآوری خلقت آسم و زمین، خلقت هر چیز از آب، آفرینش شب و روز، و خورشید و ماه و... را در آیات دیگری نیز مانند: ۳۰-۳۲ ابراهیم، ۲۱-۲۲ بقره، ۱۶۴ بقره، ۵۷ غافر، ۲۷ نازعات، ۹-۱۲ فصلت، ۶ ق، ۷ الرحمن، و... می‌توان دید.

... بود هر شبانگاه باریک‌تر به خورشید تابنده نزدیک‌تر  
 بدین سان نهادش خداوند داد بود تا بود هم بدین یک نهاد  
 (فردوسی ۱۳۶۹: ۵- ۷)

### نتیجه‌گیری

بار دیگر با فروتنی و احترام بسیار به دیدگاه شارحانی که در این مقاله نامی از به میان آمد، بر این باورم که عدم توجه به سه نکته اساسی «نظم در شاکله و ساختار اثر»، «استفاده از آثار هم عرض»، و «پیوند عمودی ابیات» می‌تواند نگاه شارحان را از دریافت اندیشه محوری اثر دور نگه دارد.

نظامی منظومه مخزن‌الاسرار خود را - به شیوه مرسوم و پسندیده معاصران خود - با ستایش خداوند آغاز کرده است؛ لیکن در این ستایش و حمد الهی، شیوه دیگر آغاز تألیف یعنی اشاره به آغاز آفرینش و ترتیب خلقت مخلوقات را نیز هنرمندانه با آن در آمیخته است. اشاره به این ترتیب آفرینش عالم از خلقت آسمان تا انسان، زمینه‌ای را فراهم کرده تا شاعر در ابیات سپسین، قدرت و جبروت الهی را در برابر تمامی آفرینش به نمایش بگذارد:

... اوّل و آخر به وجود و صفات هست کن و نیست کن کاینات  
 با جبروتش که دو عالم کم است اوّل ما و آخر ما یک دم است  
 کیست درین دیرگه دیر پای کو «لمن الملک» زند جز خدای  
 بود و نبود آن چه بلند است و پست باشد و این نیز نباشد که هست

(نظامی ۱۳۷۶ پ: ۳)

یعنی همان اندیشه‌ای که در جای جای این اثر تکرار و تجلی یافته است:

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده  
 زیر نشین علمت کاینات ما به تو قائم، چو تو قائم به ذات

(همان ۱۳۷۶: ۳)

ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما  
 دور جنیبت کش فرمان توست سفت فلک غاشیه گردان توست

(همان ۱۳۷۶: ۱۰)

نکته مهم دیگر این که، موضوع اصلی کتاب مخزن‌الاسرار که بخش پایانی اثر - بیست مقاله - به آن اختصاص یافته، «انسان» است؛ یعنی همان «مخزن‌الاسرار»ی که خدا به عنوان

اشرف کاینات آفریده و نظامی در این کتاب درصدد یادآوری این شرافت به او بر آمده است. ذکر داستان آفرینش - از آسمان تا انسان - در مقدمه این منظومه که از آسمان آغاز و به انسان می‌انجامد، از دیگر سو می‌تواند تمهیدی برای بخش اصلی کتاب باشد.

## منابع

- ابن‌اثیر، عزّ الدین. ۱۳۷۰. *تاریخ کامل*. ترجمه دکتر سید محمد حسین روحانی. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
- انزلی نژاد، رضا. ۱۳۷۵. *پرده سحر سحری (گزیده مخزن الاسرار)*. چاپ اول. تهران: جامی.
- آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۶۷. *گزیده مخزن الاسرار*. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ثروتیان، بهروز. ۱۳۷۹. *گزیده مخزن الاسرار؛ با مقدمه و شرح ابیات*. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل ابن علی. ۱۳۷۹. *منشآت خاقانی*. تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ دوم. تهران: کتاب فرزاد.
- دادبه، اصغر. ۱۳۷۱. *تجلی برخی از آراء کلامی - فلسفی در اشعار نظامی*. فرهنگ (ویژه‌نامه نظامی). کتاب دهم. ۸۷ - ۱۳۰.
- زنجانی، برات. ۱۳۷۰. *احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سعدی شیرازی، مصلح ابن عبدالله. ۱۳۶۸. *بوستان (سعدی نامه)*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاپ سوم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- سنائی غزنوی، ابوالمجد مجدود ابن آدم. ۱۳۶۹. *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*. تصحیح و تحشیه مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، محمد ابن جریر. ۱۳۷۴. *تاریخنامه طبری*. دو جلد. گردانیده منسوب به بلعمی. به تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۶۹. *شاهنامه فردوسی*. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- فرنیغ دادگی، بندهش. ۱۳۶۹. گزارنده: مهرداد بهار. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
- قرآن کریم. ۱۳۷۲. ترجمه استاد محی‌الدین الهی قمشه‌ای. چاپ اول. تهران: انتشارات پیام آزادی.
- کتاب مقدس. ۱۳۷۹. عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی و ویلیام گلن، هنری مرتن. تهران: انتشارات اساطیر.
- لاهیجی، شمس‌الدین محمد. ۱۳۷۱. مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. چاپ اول. تهران: انتشارات زوآر.
- ماحوزی، مهدی. ۱۳۷۴. شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
- محمدفؤاد، عبدالباقی. ۱۳۶۴. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم. القاهرة: مطبعه دارالکتب المصریه.
- ناتل خانلری، پرویز. ۱۳۶۷. وزن شعر فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.
- نظامی گنجه‌ای. ۱۳۶۳. مخزن‌الاسرار. تصحیح و مقابله و فرهنگ لغات. دکتر بهروز ثروتیان. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۶ الف. خسرو و شیرین. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ دوم. تهران: نشر قطره.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۶ ب. لیلی و مجنون. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ دوم. تهران: نشر قطره.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۶ پ. مخزن‌الاسرار. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ دوم. تهران: نشر قطره.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۸. الیاس ابن یوسف. اقبال نامه. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ سوم. تهران: نشر قطره.
- وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۶۷. وزن و قافیة شعر فارسی. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.